توسعه اقتصادی در گرو رشد «اقتصاد فولادی»

گروه گزارش- سالیان درازی است که نفت و گاز خام مهم‌ترین و اصلی‌ترین محل درآمدی کشورمان محسوب می‌شود و این در شرایطی است که فروش مواد خام و به‌ویژه نفت و گاز، کاری جز فروش ثروت ملی و سهم آیندگان با کمترین ارزش‌افزوده نیست.

از سوی دیگر، دشمنان نیز پس از سال‌ها کینه‌توزی به‌خوبی دریافته‌اند که با توقف صادرات نفتی ایران با اعلام تحریم‌های ظالمانه به‌راحتی می‌توانند کاهش درآمدهای کشورمان را رقم بزنند و موجب از بین رفتن امید بین ایرانیان شوند، ازاین‌رو همواره به دنبال تحریم نفتی بوده‌اند.بدون تردید برای بهره بردن بهتر از سرمایه خدادادی نفت و گاز و توسعه اقتصادی و استفاده از مزیت انرژی ارزان، ضروری است اقتصاد کشور به سمت تولید صنعتی و صادرات کالاهای ساخته‌شده، ریل‌گذاری شود تا در پی آن سبد صادراتی کشور متنوع و توزیع کالاهای صادراتی ایران بین کشورهای مختلف بیشتر صورت پذیرد تا علاوه بر کاهش قدرت چانه‌زنی خریداران، زمینه برای معرفی بیشتر کالاهای ایرانی در جهان مهیا و اعمال تحریم‌ها مشکل شود.

ورود جدی کشور به عرصه تولید پیامدهای مبارکی برای اقتصاد ملی در پی خواهد داشت که ایجاد اشتغال پایدار برای جوانان و افزایش کشورهای هدف صادراتی می‌تواند ازجمله مهم‌ترین دستاوردهایی آن باشد که در سایه آن امنیت پایدار ایران نیز فراهم خواهد شد.امروزه ثابت‌شده است، سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع پایه‌ای و مادر منطقی‌ترین راه برای توسعه ملی و زمینه‌سازی برای توسعه صنعتی به‌ویژه در صنایع پایین‌دستی است، زیرا می‌توان از این طریق طیف وسیعی از صنایع پایین‌دستی را وارد چرخه تولید کرد و ارزش‌افزوده بیشتری در اقتصاد خلق نمود.

صنعت فولاد ایران، می‌تواند به‌عنوان یک صنعت پایه نقش بسزایی در توسعه صنعتی کشورمان ایفا کند، زیرا از یک‌سو این صنعت در سال‌های اخیر نشان داده خودکفا و خود تامین است و از سوی دیگر رُشد قابل‌توجهی در سال‌های اخیر داشته است.

تولیدکنندگان فولاد ایران در این سال‌ها شرایطی را به وجود آوردند که کشوری که تا هشت سال پیش واردکننده محصولات فولادی بود امروز یکی از بازیگران مهم جهانی در این عرصه است و کیفیت تولیداتش بسیار بالاتر از بسیاری از تولیدکنندگان دیگر فولاد است.باوجود تحریم‌های ظالمانه سال‌های اخیر و محدودیت‌های گاز و برق که سال‌به‌سال بیشتر شده است و تهدیدی برای صنعت فولاد کشور محسوب می‌شود، صنعت فولاد ایران توانسته همچنان جایگاه دهم را بین تولیدکنندگان فولاد جهان در اختیار داشته باشد و کمتر صنعت مادری در کشورمان از این توان برخوردار است و بدون شک اگر محدودیت‌های گاز و برق برداشته شود ایران به‌راحتی می‌تواند در رده هفتم یا ششم در بین فولادسازان برتر جهان قرار گیرد.امروزه ایران در زمینه دانش فنی تولید فولاد از جایگاه بسیار خوبی برخوردار است و هفته‌ای نیست که در فولاد مبارکه اصفهان و یا دیگر صنایع فولادی کشور شاهد تولید محصول جدیدی نباشیم، محصولاتی که تا پیش‌ازاین جزو اقلام وارداتی بودند و امروز در داخل تولید می‌شوند.

هم‌اکنون صنعت فولاد در اقتصاد کشورمان از موقعیت خوبی برخوردار است زیرا کشور سنگ‌آهن، مواد اولیه، انرژی و نیروی کار ارزان‌تر از سایر کشورها را در اختیار دارد و ظرفیت ۵۵ میلیون تنی را نیز در این صنعت ایجادشده است و تنها باید ازنظر کیفی در تولیدات برنامه‌ریزی انجام شود و برای این امر سرمایه‌گذاری نمود و البته ضروری است محدودیت‌های انرژی که ناشی از رشد نامتوازن سایر بخش‌ها بوده نیز با همیاری صنعت هرچه سریع‌تر مرتفع شود.

فولادسازان ایرانی در اوج تحریم‌ها، نه تنها توانستند صنعت فولاد را نجات دهند بلکه زمینه‌ساز ظهور یک اقتصاد مبتنی بر تولیدات غیرنفتی با عنوان «اقتصاد فولادی» شدند و استان اصفهان با داشتن ۴۰ درصد تولید فولاد ایران به‌عنوان پایتخت فولاد کشور است و دارا بودن شرکت‌هایی همچون فولاد مبارکه، ذوب‌آهن، فولاد کویر، فولاد نطنز و ده ها شرکت فعال در صنعت فولاد می‌تواند ایفاگر نقش مهمی در این اقتصاد داشته باشد.

امروز «اقتصاد فولادی» می‌تواند به‌عنوان تامین کنند مواد اولیه بسیاری از صنایع فعال استان نظیر قطعه‌سازی خودرو، ریخته‌گری قطعات فلزی، هواپیماسازی، تولید لوازم‌خانگی و صنایع نظامی به‌عنوان پیشران توسعه صادرات در کشور و استان اصفهان ایفاگر نقش مهم و کلیدی برای جهش اقتصادی باشد.

هرچند شرایط امروز اقتصاد کشور به دلیل وجود ناترازی ها به‌ویژه در حوزه انرژی سخت و دشوار است اما می‌توان با ظرفیت‌های صنعت فولاد برای اعتلا بخشی به اقتصاد ایران بهره برد، اعتلا بخشی این صنعت به دلیل فرصت‌هایی است که برای خودکفایی، بلوغ و توانمندی‌های تولید و صادرات و اتکا به متخصصان داخلی در آن فراهم‌شده است که نباید به‌سادگی از کنار آن گذشت.بدون تردید استفاده حداکثر از توان تولید داخل، توجه به اقتصاد مقاومتی، حمایت از صنعت فولاد به کمک مشوق‌های صادراتی و ایجاد شرایط پایدار در تامین انرژی می‌تواند راه را ظهور و بروز اقتصاد فولادی را هموار کند و حل چالش‌های پیش روی صنایع معدنی، به‌ویژه در حوزه فولاد، نیازمند توجه ویژه به زیرساخت‌ها و منوط به حمایت‌های جدی‌تر از سوی دولت و بخش خصوصی است.قانون‌گذاری مناسب و راه‌اندازی نظامات تنظیم‌گر مناسب می‌تواند به حل مشکلات صنعت فولاد کمک زیادی کند و البته صنایع معدنی و فولاد نیز باید در زمینه توسعه زیرساخت‌ها مشارکت داشته باشند و با اجرای طرح‌های بزرگ برای احداث نیروگاه‌ها و کمک به توسعه شبکه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای منتهی به معادن و صنایع معدنی، درصدی از سود خالص خود را به این امر اختصاص دهند.

ترکش‌های تورم

بی ثباتیِ اقتصاد کلان، بحران های اجتماعی را تشدید می کند

وحید ریحانی- افزایش تورم فقط به محیط اقتصادی محدود نمی‌شود. بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی معلول این پدیده هستند. پدیده‌ای که با خروج دولت از نظم مالی و دست‌اندازی به سیاست‌های پولی آغاز می‌شود. پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهند که هرگاه تورم فزاینده‌ای در اقتصاد رخ دهد، انتظارات تورمی نیز تشدید می‌شوند. این علامت بیش از هر چیز نا اطمینانی و آینده هراسی موجود در فعالان اقتصادی و آحاد جامعه را بازتاب می‌دهد. تورم با افزایش نابرابری، ظن گروه‌های پایین درآمدی را نسبت به بی‌عدالتی و نداشتن سهمی در کیک اقتصاد، تشدید می‌کند. با این تصور، رابطه دولت و ملت به‌شدت آسیب می‌بیند و سطح همکاری ملت برای پیشبرد اهداف دولت به حداقل می‌رسد. علاوه بر این، رابطه مردم با یکدیگر نیز تحت‌الشعاع ترکش‌ها قرار می‌گیرد و اعتماد و اطمینان طرف‌های مبادله (مردم جامعه) به یکدیگر به حداقل می‌رسد؛ درمجموع در حوزه اقتصادی، تورم عامل بی‌ثباتی و از بین بردن اشتغال است و در حوزه‌های غیراقتصادی ردپای آن در تخریب سرمایه اجتماعی، افزایش جرم و جنایت و... دیده می‌شود. نکته قابل تامل اینکه برخی تصور می‌کنند با تورم می‌توان رونق ایجاد کرد و بیکاری را از بین برد؛ زیرا بیکاری ریشه ناهنجاری‌هاست. این گزارش نشان می‌دهد بیکاری نیز معلول تورم و فضای بی‌ثبات اقتصادی است.سال‌هاست که برخی در اقتصاد ایران به‌صورت پنهان از افزایش نرخ تورم دفاع می‌کنند. آن‌ها در هر بحرانی، دولت را تشویق به مداخله و تزریق اعتبار بی‌پشتوانه می‌کنند؛ اما تحقیقات نشان می‌دهند که این دست سیاست‌ها نه‌تنها راهگشا نبوده، بلکه آثار زیان‌بارش را محدود به حوزه اقتصاد نمی‌کند و به حوزه اجتماع هم سرایت کرده است. تورم دو رو دارد که روی کاهشی آن بسترساز اصلاح بخش‌های اقتصادی و شتاب‌دهی به تولید ناخالص داخلی است و روی افزایشی آن، از طریق بی‌ثبات کردن فضای اقتصاد کلان، بحران‌های اجتماعی را هم به تلنبار معضلات اقتصادی می‌افزاید. ازاین‌رو، اگر دولتی رو به مدیریت تورم و کاهش آن حرکت کند، می‌تواند نوشدارویی برای اقتصاد و اصلاحات فراهم کند و اگر به هر دلیلی سیاست‌هایش به یک تورم سرکش منجر شود، می‌تواند همچون سمی برای اقتصاد و جامعه عمل کند.

اثرات مستقیم

زمانی که تورم روند فزاینده‌ای به خود می‌گیرد، مخصوصا در مواد خوراکی، فشار زیادی به دخل‌وخرج خانوارهای گروه فقیر وارد می‌کند. چراکه سهم کالاهای خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای دهک‌های پایین هزینه‌ای جامعه، بیش از ۴۰ درصد است؛ یعنی ۴۰ درصد از دخل‌وخرج خانوار به تغییرات قیمت کالاهای خوراکی وابسته است و نوسان در قیمت این بخش از سبد مصرفی آن‌ها، امنیت اقتصادی آن‌ها را به‌شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این جزو اثرات مستقیم تورم از منظر اقتصادی محسوب می‌شود. پدیده دیگری که به دنبال تورم می‌آید، نا اطمینانی از قیمت‌های آینده است. در تحقیقی که در فصلنامه «روند» بانک مرکزی با عنوان «نا اطمینانی تورم و پراکندگی قیمت‌های نسبی در ایران» انجام‌شده، نشان داده که پراکندگی قیمت‌های نسبی با نا اطمینانی تورم افزایش می‌یابد. یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین زیان‌های اقتصادی ناشی از تورم، عدم اطمینان از مقدار آن در دوره‌های آتی است. یافته‌های تحقیق مذکور نشان می‌دهد که بین تورم و نا اطمینانی آن رابطه مثبت وجود دارد. نا اطمینانی از تورم آتی، سبب تغییرات در تصمیمات اقتصادی می‌شود. در این حالت حساسیت بنگاه‌ها به شرایط و وضعیت اقتصادی افزایش‌یافته و نوسان تورم را مهم‌ترین شاخص در قیمت‌گذاری محصولات لحاظ می‌کنند. ازاین‌رو، هر نشانه‌ای که موجبات افزایش نرخ تورم را فراهم آورد، نا اطمینانی شکل‌گرفته از آن شتاب تورم را افزایش داده و باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی به‌دفعات بیشتری قیمت محصولات تولیدی را در پاسخ به افزایش هزینه‌های تولید تغییر دهند. به همین دلیل است که در فضای تورم و بی‌ثباتی، افزایش قیمت‌ها از سوی عوامل تولید خود به‌عنوان پیشران تورم، نقش بازی می‌کند و جامعه در معرض نوسان‌های متعدد قیمتی قرار می‌گیرد.

پیامدهای غیرمستقیم

در مورد مضرات اقتصادی تورم، مطالعات زیادی توسط پژوهشگران داخلی انجام‌شده است، اما در مورد آثار غیر سطحی تورم که بر جامعه می‌نشیند، تعداد پژوهش‌های دانشگاهی اندک است. مصطفی دین‌محمدی، عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه زنجان در تحقیقی با عنوان «تحلیل آثار اجتماعی تورم» سعی کرده این موضوع را مورد واکاوی قرار دهد. بررسی تورم به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر هنجارهای اجتماعی، ازجمله جدیدترین مطالعات در حوزه اقتصاد جرم است.

نقض حقوق مالکیت: هنگامی‌که دولت برای جبران کسری بودجه، دست به استقراض از بانک مرکزی می‌زند و افزایش پایه پولی را باعث می‌شود، از افراد بدون اجازه آن‌ها مالیات تورمی اخذ می‌کند و این نقض حقوق افراد، سطح اعتماد بین مردم و دولت را کاهش داده و هزینه‌های مبادله، تعامل و همکاری اجتماعی را افزایش می‌دهد. به تعبیر محققان، تورم ظالمانه‌ترین مالیاتی است که دولت به سبب سیاست‌های خود از قشر فقیر به سود قشر ثروتمند می‌گیرد. وظیفه کلاسیک دولت، کاهش هزینه مبادله است؛ ایجاد امنیت، امکان سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بدون نگرانی از آسیب دیدن اصل سرمایه. تعریف حقوق مالکیت (از طریق صدور اسناد مالکیتی هم‌شکل، قابل‌حمل و کم‌هزینه) حوزه مالکیت و منفعت هر فرد را دقیقا تعریف می‌کند و تضمین حقوق مالکیت (از طریق استقرار یک دادگستری ارزان و بی‌طرف) امکان تضمین حقوق افراد را فراهم می‌آورد. اگر جامعه در وضعیتی قرار گیرد که این دو خدمت، کمرنگ شوند، افراد مجبور می‌شوند که برای حفاظت از حقوق مالکیت خود، دست به اقدامات و تمهیدات شخصی بزنند که گاهی بسیار پرهزینه است. درنتیجه افزایش تورم که ارزش پول ملی را می‌کاهد، ازیک‌طرف هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد که خود یک ناکارایی اقتصادی است و از طرف دیگر، حق مالکیت افراد بر پول خود را نقض می‌کند.

نا اطمینانی و آینده هراسی: افزایش تورم موجب شکل‌گیری نوعی آینده هراسی می‌شود به‌گونه‌ای که مردم نگران این موضوع هستند که فردا چه خواهد شد و آینده شغلی وزندگی آن‌ها چگونه رقم خواهد خورد. به‌طور مثال طبق آمار سازمان جهانی کار و بانک جهانی ۴۲ درصد از ایرانیان اشتغال آسیب‌پذیر دارند و سایه آسیب‌های شغلی و بیکاری را بر سرخود احساس می‌کنند.

اثر بر روابط افراد: آنچه اساس روابط متقابل انسان‌ها را تشکیل می‌دهد، نیاز به مبادله است. آنچه در یک مبادله به وقوع می‌پیوندد جابه‌جایی مالکیت منابع است و اگر در این مبادله حقوق مالکیت نقض شود، همان‌طور که در شرایط تورمی به دلیل کاهش ارزش پول مالکیت افراد نسبت به پول خود نقض می‌شود، اعتماد و اطمینان طرفین نسبت به یکدیگر کاهش می‌یابد. در شرایط تورمی، به علت عدم حفاظت نسبی از حقوق مالکیت، هزینه فرصت پایبندی به هنجارها بالا می‌رود و لذا انگیزه‌های هنجار گریزی در کنشگران تقویت می‌شود. همچنین افزایش نابرابری (حاصل از تورم)، این باور و ذهنیت را که اقشار و گروه‌های پایین درآمدی سهم منصفانه خود را به دست نمی‌آورند، تقویت کرده و درنتیجه باعث کاهش تمایلات و انتظاراتی می‌شود که همکاری و مشارکت در جهت منافع جمعی را تشویق می‌کند. کسی در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کند که ادراکات، تمایلات و انتظاراتش نشان دهد از امکاناتی برخوردار است که به‌طور نسبی در اختیار سایر افراد جامعه قرار دارد؛ اما تورم با توزیع نامناسب درآمد، این ادراکات را باطل می‌کند.

مصرف‌گرایی: تورم به دلیل کاهش ارزش پول و افزایش نا اطمینانی‌ها موجب افزایش میل نهایی به مصرف و رواج مصرف‌گرایی در جامعه می‌شود. شرایط تورم شتابان، نا اطمینانی و آینده هراسی را به دنبال دارد و به دلیل اینکه مصرف حال مطلوبیت بیشتری پیدا می‌کند، ناشکیبایی در مصرف به وجود می‌آید. این عامل می‌تواند ریشه به وجود آمدن صف‌های متعدد در چنین حالتی را توصیف کند. در حالت تورمی برخی خریدها ممکن است بدون توجه به نیاز مصرف‌کننده انجام شود، گاهی حتی بدون توجه به ارزان بودن یا گران بودن آن کالاها این خریدها انجام می‌شود و تنها عامل توضیح‌دهنده، ترس از آینده و این تصور است که مبادا این اجناس یا کالاها در آینده گران‌تر شوند.

کاهش ارزش کار: در وضعیت تورمی، معمولا دارایی‌ها بیش از افزایش تورم افزایش قیمت دارند، ولی معمولا دستمزدها به‌اندازه تورم رشد نمی‌کنند. همواره تورم به زیان دستمزدبگیران (کارمندان) و به نفع سود بگیران (سرمایه‌داران) است، زیرا سود بگیران در شرایطی قرار دارند که می‌توانند از طریق مالکیت دارایی از افزایش قیمت‌ها استفاده کنند و معمولا هنگامی‌که یک دوره تورم در اقتصاد به وقوع می‌پیوندد، سود سرمایه‌گذاران و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و وضعیت دستمزدبگیران نامطلوب می‌شود، زصیرا دستمزدبگیران از مالکیت دارایی برخوردار نیستند.

سفته‌بازی: افزایش سریع قیمت‌ها می‌تواند منجر به‌نوعی احتکار و انبارداری در خصوص بعضی از کالاهای اساسی شود. ترس از رشد قیمت‌ها ممکن است گاهی اوقات علت اصلی به شمار رود اما تقریباهمیشه محتکرانی که این کار را انجام می‌دهند به امید افزایش قیمت‌ها و سودآوری بیشتر دست به این عمل می‌زنند. این عمل در راستای همان تحلیل رشد انتظارات تورمی در اثر وقوع تورم است. در اثر استمرار روندهای تورمی، فرهنگ مولد به‌شدت متزلزل و سوداگری، دلالی و ترجیح ملاحظات کوتاه‌مدت به امور بلندمدت تبدیل به فرهنگ مسلط در یک جامعه می‌شود.

ضربه به سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی ابعاد و مولفه‌های فراوانی دارد که متناسب بافرهنگ جامعه است، مولفه‌هایی مانند اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد، مسوولیت، همکاری و... پژوهشگران معتقدند مهم‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی اعتماد و قابلیت اعتماد است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سامانه‌های اجتماعی که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود، معنی می‌کند.

اما اتفاقی که در طول یک سال اخیر در فضای جامعه افتاده، عکس این حالت بوده است، در حقیقت هزینه تبادلات و ارتباطات عناصر داخل جامعه با رشد همراه بوده که می‌تواند به افت سرمایه اجتماعی تعبیر شود. در چنین حالتی، اعتماد و مشارکت اجتماعی در حل مشکلات کشور، به پایین‌ترین سطح خود کاهش می‌یابد. در ادبیات اقتصادی جرایم اجتماعی به‌صورت یک فعالیت اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند که در آن هر فرد دارای آستانه‌ای از ارزش‌هاست که او را در تصمیم میان ارتکاب یا عدم ارتکاب ناهنجاری اجتماعی دچار تردید می‌کند. افزایش تورم از دید آحاد جامعه، به معنای ناکارآمدی دولت در تنظیم سیاست‌ها معنی می‌شود. با افزایش شدید تورم، از قدرت خرید مردم کاسته شده و بنابراین، حق مالکیت افراد بر پولشان نقض می‌شود. نرخ تورم به‌این‌علت که حقوق مالکیت را نقض می‌کند، باعث کاهش اعتماد بین کنشگران اقتصادی خواهد شد. کاهش اعتماد عمومی و کاهش اعتماد مردم به دولت به‌عنوان نهادی که وظیفه و مسوولیت حفظ و تضمین حقوق مالکیت را بر عهده دارد، باعث کاهش تعاملات و همکاری‌های طرفین شده و افزایش هزینه‌های مبادلاتی و کاهش کارایی اقتصادی را به دنبال دارد. در چنین شرایطی که اعتماد، همدلی و انصاف از سطح خانواده‌ها فراتر نمی‌رود، عرضه سرمایه و همچنین حضور مدیران کارآمد در عرصه نیز محدود می‌شود.

بازی باخت-باخت

وقتی تورم شتابان افزایش می‌یابد، اعتماد بین مردم و دولت از بین می‌رود و از همه مهم‌تر روابط میان مردم با یکدیگر نیز بسیار دشوار و پرهزینه می‌شود. در چنین حالتی اعتمادها رخت برمی‌بندد، اخلاقیات کمرنگ می‌شود و رفتار مردم با یکدیگر شبیه رفتار مسافرانی می‌شود که قرار نیست باهم زندگی کنند، بلکه به‌اجبار، در دوره‌ای با یکدیگر هم‌سفرند. چراکه محیط همکاری و قواعد بازی در اقتصاد ایران محدودشده است. تغییر مداوم سیاست‌ها موجب شده تا گروه‌های مرجعی که باید سمبل اعتماد عمومی، ثبات، قانون و امنیت باشند، به منابع تولید بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی و بی‌قانونی تبدیل شوند. شرایط کشور به‌گونه‌ای است که سیاست‌های اقتصادی به نتایج مطلوب نمی‌رسند. بدون وجود سطح کافی از سرمایه اجتماعی، از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد. طبق تئوری بازی‌ها وقتی بین مردم و دولت بی‌اعتمادی وجود داشته باشد به‌جای دستیابی به نتیجه برد- برد، بی‌اعتمادی موجب بروز نتیجه باخت- باخت می‌شود. برای عوض کردن ورق این بازی، یکی از اقدامات اصلی دولت دستیابی به ثبات تورمی و حفظ نرخ تورم در سطوح پایین است. اتخاذ چنین سیاستی در درجه اول رابطه بین دولت و ملت را بازسازی می‌کند و در مرحله بعدی نیز رابطه بین آحاد اقتصادی را با یکدیگر متعادل خواهد کرد. ازاین‌رو ثبات فضای اقتصاد کلان شاید به‌عنوان یک پیش‌شرط برای اصلاحات عظیم اقتصادی مطرح باشد. دراین‌بین برخی بیکاری را علت اصلی می‌دانند و معتقدند با افزایش نرخ تورم، می‌توان معضل بیکاری را حل کرد. درحالی‌که آنچه بیکاری را سبب می‌شود، عملکرد ناقص تولید در اقتصاد است. یکی از عوامل اصلی تضعیف تولید، تورم است که با بی‌ثبات کردن فضای اقتصاد، تصمیم‌گیری را برای فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان دشوار می‌کند، چراکه آن‌ها را در یک محیط غبارآلود بدون چشم‌اندازی روشن قرار می‌دهد. پس آنچه پایه‌های تولید را تضعیف می‌کند و بیکاری را افزایش می‌دهد تورم است؛ یعنی بیکاری یکی از معلول‌های تورم است و نه برعکس. اگر جهت این توالی به‌درستی شناخته نشود، اولویت‌دهی در حل معضل‌ها هم دچار خطا می‌شود.

الو شرق

بخش الو شرق که میزبان مخاطبین اصفهانی برای شنیدن مطالبات و چالش‌های شهری است، این هفته نیز میزبان تعدادی از شهروندان هستیم که به موضوعاتی ازجمله تخریب میدان جلفا، جشنواره کودک، سفر ظریف به اصفهان و تغییر استاندار و میوه‌فروش‌های خیابان گلزار اشاره کردند. در ادامه بخشی از این گزارش‌ها را می‌خوانیم:

میوه‌فروش‌های گلزار

محمدصادقی، یکی از شهروندان خیابان گلزار است که در پیامی به شرق نوشت:

«خیابان گلزار میوه‌فروشی‌های متعددی دارد. این میوه‌فروشی‌ها بخش قابل‌توجهی از پیاده‌رو را به خود اختصاص داده‌اند و توجهی نیز به اعتراض شهروندان و کسبه دیگر ندارند. مشخص نیست شهرداری چرا به این میوه‌فروش‌ها اجازه این کار داده اما مشخص است که چندان ترسی از اعتراض عمومی مردم محل ندارند و مدت‌هاست که به این شکل، پیاده‌رو را اشغال کرده‌اند. اگرچه تعدادی از میوه‌فروش‌ها نیز در بخش پهن‌تر پیاده‌رو، مشغول فعالیت هستند و مزاحمت زیادی برای مردم ندارند. خواهشمندیم که مسئولین شهری به این بی‌نظمی در محله گلزار رسیدگی کنند. »

تخریب میدان جلفا

سهند، یکی دیگر از شهروندانی است که در پیام به شرق درباره تغییرات میدان جلفا نوشت:

«میدان جلفا همواره محل تجمع و نشستن و تفریح جوانانی بود که در آن نزدیکی تردد داشتند. بی‌نظمی خیلی عجیبی هم آنجا رخ نداده بود. درعین‌حال پلیس هم حضور جدی داشت و اگر مشکلی پیش می‌آمد، پلیس می‌توانست به‌خوبی رسیدگی کند. بااین‌وجود محوطه وسط میدان را تغییر دادند و با چیدن گلدان، از نشستن مردم جلوگیری کردند. جالب است که یکی از اساتید دانشگاه هنر از این اقدام دفاع کرده بود و او هم موردانتقاد عمومی قرار گرفت. شهرداری و مدیریت شهری با این اقدامات، تنها و تنها به کاهش سرمایه اجتماعی دست می‌یابند و هیچ ثمره دیگری دراین‌بین برای آن‌ها وجود ندارد. به‌جای اینکه مانند شهرهایی مثل شیراز و رشت، سهم شهروند از شهر را زیاد کنند، باافتخار و توجیهاتی که برای مردم پذیرفتنی نیست، دست به کاهش سهم مردم از محیط شهری می‌زنند. »

سفر ظریف به اصفهان

رضایی، یکی از شهروندانی است که خود را دانشجو علوم سیاسی معرفی کرده است. او درباره سفر ظریف به اصفهان نوشت:

«سفر ظریف به اصفهان اتفاق جالبی بود. او این بار به‌عنوان یک چهره دولتی و سلبریتی سیاسی به اصفهان سفر کرد؛ اگرچه برنامه‌ای که در آن شرکت کرد چندان اتفاق خاصی نبود اما حضور ظریف، به‌خودی‌خود، می‌تواند یک جلسه خیلی کوچک و بی‌اهمیت را هم یک جلسه بزرگ جلوه دهد. ظریف در اصفهان در مراسم شهید نیل فروشان هم شرکت کرد که در نوع خود حتی برای اصولگرایان شهر جالب بود. او نشان داد که واقعاً به دنبال وفاق به اصفهان سفرکرده و کارکرد او در دولت نیز ایجاد یک بسط اجتماعی میان کسانی است که از نهاد دولت دور شده‌اند. »

تغییر استاندار

حدادی، دانشجوی معماری، در پیامی به شرق نوشت:

«تغییر استاندار اصفهان بالاخره انجام شد اما سؤال ما هنوز این است که چرا تا این حد اصفهان از ادبیات دولت دور است؟ من در دو دور اخیر انتخابات رأی دادم و مسعود پزشکیان را برای عدم پیروزی جلیلی انتخاب کردم اما انتظار نداشتم چهره‌های محبوب اصولگرایان و نمایندگان فعلی اصفهان در این شهر سمت بگیرند. اصفهان با حضور نیروهای تندرو اصولگرایان در سه سال اخیر از خیلی از شهرهای دیگر کند تر حرکت کرده و مشخص نیست با تداوم این رویکردها چه سرنوشتی منتظر این شهر است. تجربه نشان داده که اصفهان با اصولگرایان چندان به سمت وفاق حرکت نمی‌کند و مشخص نیست جمالی نژاد تا چه حد بتواند این مسیر را به‌خوبی بپیماید. البته چهره مردمی او در زمان شهرداری می‌تواند تا حدی به او کمک کند. دراین‌بین خواسته نیروهای اصلاح‌طلب، تغییر دیگر مدیران بازمانده دولت رئیسی است تا اصفهان بالاخره به یک تغییر دست یابد. »

جشنواره کودک با رفتار بزرگ‌سالان

محبوبه، یکی دیگر از شهروندان دغدغه است که در پیامی درباره جشنواره کودک سال ۱۴۰۳ نوشت:

«جشنواره کودک به یکی از نمادهای اصفهان تبدیل‌شده بود اما رفتار مدیریت شهری در چند سال اخیر حتی در دو سال آخر شورا قبلی، به وضعیتی بسیار ناشایست درآمد. امسال دیگر تیر آخر بود و رفتار مدیریت شهری به‌گونه‌ای شد که فکر نمی‌کنم سال آینده این جشنواره در اصفهان برگزار شود. اصفهان در حال از دست دادن تک‌تک دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی خود است که سال‌های سال توسط بهترین افراد و با زحمت بسیار به این نقطه رسیده‌اند. برخورد ناشایست با خبرنگاران و رفتار ایدئولوژیک درروند برگزاری، باعث ایجاد نوعی وضعیت نامطلوب در برگزاری جشنواره شد و استقبال چندانی هم به عمل نیامد. اصفهان با این بستر می‌تواند بهترین هنرمندان حوزه کودک و نوجوان را از سراسر جهان دورهم جمع کند اما رفتار چهار سال اخیر مدیریت شهری، این دستاورد مهم را هرسال بیشتر از قبل از اصفهان دور می‌کند.

«اصفهان دریا داره» یا دریا می‌خواهد

به تازگی بنرهایی با عنوان «اصفهان دریا داره» در سطح شهر اصفهان و در کنار رودخانه خشک زاینده رود نصب شده است، در ابتدا تصور ما این بود که این مفهموم ارتباطی با انتقال آب از دریای عمان و احیای زاینده رود دارد اما با پرس و جوی بیشتر متوجه شدیم که این یکی از تبلیغات شهرداری برای ایجاد بازار جدید ماهی فروشی در میدان میوه و تره بار اصفهان است.

آیا در شرایطی که درختان اصفهان به ویژه کهن میراث معنوی اصفهان یعنی درختان چنار به دلیل کم آبی و عدم مدیریت درست شهرداری در آبیاری درختان، نای نفس کشیدن ندارند و شهرداری نیز به این بهانه مدام در حال قطع درختان به جای مقاوم سازی آنهاست، ایجاد بازارچه ماهی محلی از اعراب دارد؟!

روزنامه شرق آمادگی دارد، هر نوع پاسخ مسئولان و یا مطالب مرتبط با انتقادات و سوالات شهروندان را در ویژه نامه بعدی خود در قالب متن پاسخگویی یا گزارش منتشر کند، در این ارتباط می توانید با شماره تلفن ۰۹۱۳۲۲۹۴۹۷۲ تماس بگیرید.